

|  |  |
|--|--|
| تلفن: ۰۸۷۶۱۷۴۰ <p>پيامک: ۰۴۵۱۲۱۳ ۳۰۰۰ فرمان عوامی / نشانی: تهران خیابان فرخسهر،شماره ۲۰۸ مصدوق پستی: ۵۳۳۸۸-۱۵۸۷۵ / امور مشترکین: ۸۸۷۴۸۰۰۰</p> چاپ: شرکت چاپ جام‌چم / سازمان چاپ و انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی/ چاپخانه مشهوری ۲ |  |
| سازمان آگهی‌های روزنامه ایران: دارنده گواهینامه ایزو ۹۰۰۱ از شرکت NISCERT <p>تهران خیابان فرخسهر شماره ۱۶ / پذیرش سازمان آگهی‌ها: ۱۸۷۷ (۰۲۱) انتشارات مؤسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران: ۵-۸۸۵۴۸۸۹۲ http://irannewsaper.ir</p>         |  |
| اذان ظهر ۱۳/۰۱   اذان مغرب ۲۰/۱۸   نیمه شب شرعی ۰۰/۱۲   اذان صبح فردا ۴/۲۶   طلوع آفتاب فردا ۶/۰۳  |  |

**امام صادق(ع)؛**

انسان مؤمن اسراف و زیاده‌روی نمی کند بلکه میانه‌روی را پیشه خود می سازد.

**سخن روز**

**مجموعه الاخبار، باب- ۳، حدیث۱**

**نگاره**

احمدرضا سهرابی



لزوم استفاده از انرژی پاک



**هنرمندان در فضای مجازی**

**در صفحات مجازی، برخی از هنرمندان پرکارترند و هر روز مطالب تازه‌ای در صفحه خود منتشر می کنند، برخی دیگر هم متهاست مطلب تازه‌ای منتشر نکرده‌اند. امروز نگاهی داریم به هنرمندانی که در فضای مجازی فعال هستند.**

**■ شی برای کارگردانان**

شب گذشته جشن کارگردانان برگزار شد و هنرمندان زیادی در صفحه خود از این شب نوشتند. بهمن ارگ عکس خودش و علیرضا داودنژاد را در صفحه خود منتشر کرد و نوشت: «همراه استاد داود نژاد. نخستین جشن بزرگ کانون کارگردانان. جایزه بهترین فیلم اول برای پوست»، آیدا پناهنده هم در صفحه خود از کانون کارگردانان سینمای ایران تشکر کرد. او در صحبت خود از هوتن شکیبیا هم تشکر کرد: «از هوتن شکیبیا بی نهایت ممنونم که برای دادن این تندیس رفت روی سن، لیجنذ زد و گفت آیدا پناهنده کارگردان بداخلاق، وسواسی، بدعق، ایگونیست، سایکو و قس‌علی‌هدایی هست و اینکه دوست داره دوباره با هم کار کنیم! هوتن جان واقعاً از این همه تعریف و تمجید جلوی دوست و آشنا و اون همه کارگردان ممنونم؛ قبول میدم فیلم بعدی کاری کنم یر به یر بشیم خودتو آماده کن.»

**■ چهره‌ها**

**علیرضا کوشک جلالی** کارگردان تئاتر هم در صفحه خود خبر اجرای نمایش «جنون محض» را منتشر کرده است. نمایش «جنون محض» نوشته مایکل فرین که جزو نمایش‌های کمدی مطرح در اروپا و نمایش برگزیده سال ۱۹۸۲ انگلستان است، فضای یک گروه تئاتری را به هنگام تمرین نشان می دهد. افراد گروه سعی می کنند تا از درون هرج و مرج موجود نظمی به وجود بیاورند. الهام پناه‌نژاد، دیبا زاهدی، صدف اسپهبدی و الهه فرازمند، امین میری، سام کیبودن، علی ابدالی، میثاق زارخ و علی پویا قاسمی در آن بازی دارند.

**سید روح‌الله حجازی** هم عکسی از دست خود در بیمارستان و خبر از آنژیوگرافی خود منتشر کرده است. او با این عکس خبر از پایان فیلمبرداری سریال «نوبت لیلی» داده است: «به لطف خدا فعلاً خوبم. خواستم عکسی از سریال به مناسبت پایان فیلمبرداری بگذارم که چنین رقم خورد. فشارهای زیادی را در طول کار متحمل شدم! از همه همکارانم تشکر و قدردانی می‌کنم که یار و یاورم بودند و همچنین از مجموعه ناموا. امیدوارم که مقبول مخاطبان عزیز بیفتد و کاستی‌ها را ببخشند.»

**نسیم ادبی** با انتشار تیزر سریال «آنها مرا دوست داشتند» به کارگردانی محمدرضا رحمانی خبر از پایان تصویربرداری این سریال داد. در این سریال امیرحسین آرمان، امیر جعفری، نسیم ادبی، شهرام قاندی، هادی تسلیمی، علی صالحی، ایرج رحمانی، شیلان مدنی و لیلا بلوکات بازی دارند.

**علی ملاقلی پور** هم عکس خانوادگی از خود و هدایت هاشمی منتشر کرده است. او بخشی از گفت‌وگوی خودش و این بازیگر را منتشر کرد: «از همنشینی با دوست و برادر بزرگتر هدایت هاشمی این محل تأمل و تفکر شد که درخلال گپهای مان گفت من می‌خواهم هنرمند شوم من می‌خواهم بازیگر یا نویسنده بشم این در ذات خودش ارزشی نیست و هنری نیست، اینکه یک گام در هنر و کار خود مؤثرتر باشم و آن را جلوتر ببرم ارزش است وگرنه آدم زیاد اومده و رفته.»

**■ گالری‌گردی**

نمایشگاه گروهی نقاشی «تهران بی‌خواب» با کیوریتوری سعید احمدزاده از ۱۶ تا ۲۷ اردیبهشت در گالری ثالث برپاست. در صفحه گالری ثالث خبرنمایشگاه آمده است. آرمن حسن‌پور، فریبا کریمخانی، امیرعباسی، غزاله افروند، سمیرا احمدی، صبا عطریان، عجملو، نازنین هنروز، غزاله افروند، سمیرا احمدی، صبا عطریان، مهرنوش نجفی‌زند، آزاده قطعی‌فر هنرمندان این نمایشگاه هستند.

## »

**به نوعی مدیون حبیب هستیم**

**کیومرث پوراحمد:** دیگر یاد گرفته‌ام که تقریباً به هیچ عکس و نوشته و ویدیویی در فضای مجازی اعتماد نکنم و نمی‌کنم. اما در یکی از کانال‌های برون مرزی، گوینده خبر نام حبیب احمدزاده را با کنایه‌هایی توهین‌آمیز به زبان آورد. دلم به درد آمد. جایی هم دیدم که تصویر حبیب احمدزاده را هم ردیف یکی دو آدم ناخلف نهاده‌اند و دلم بیشتر به درد آمد. حبیب فقط با من دوست نیست... رفقایی از چپ و راست و میانه، از مخالف و موافق. و همه ما دوستان سینمایی و غیرسینمایی به نوعی مدیون حبیب هستیم. حبیب احمدزاده همه هشت سال جنگ را در جبهه بوده و دچار ضایعات جسمی و شیمیایی شده است. او هنوز که هنوز است از ضایعات شیمیایی رنج می‌برد... فقط باید شب‌هایی با حبیب زیر یک سقف خوابیده باشی تا بدانی شیمیایی شدن حتی در اندازه خفیف یعنی چه، نه شیمیایی در اندازه شدید که برادر حبیب دچار آن شده و سال‌هاست حتی به سختی نفس می‌کشد.

واکنش این کارگردان و فیلمنامه‌نویس به ماجرای نمایش فیلم احمدزاده در امریکا که در ایستا منتشر شده است



## فیلم ساختن یا نساختن

اکران فیلم «لامینور» یعنی قدیمی را دوباره داغ کرده است. فیلمسازان صاحبنام و شاخص، در روزگار سالخوردگی فیلم بسازند یا نه؟ آیا ما می‌توانیم درباره تصمیم شخصی یک هنرمند نظر بدهیم؟ فیلمسازی امری شخصی تلقی می‌شود؟ اعتبار و جایگاه حرفه‌ای آن هنرمند که روزی در قله بوده و طبیعی است که در سالخوردگی ترمز، کش و شوری انگیزه بهترین سال‌های زندگی حرفه‌ای خود را ندارد، چقدر اهمیت دارد و برای حفظ آن چه باید کرد؟

شاید ساده‌ترین راه، کشیدن خط قرمز روی نام کارگردان‌هایی باشد که بخشی از بهترین خاطرات سینمادوستان با آنها شکل گرفته و از سویی دیگر، فیلم‌هایشان آبروی سینمای ایران و هویت آن است. نمی‌توان ناصر تقوایی، مسعود کیمیایی، بهمن فرمان‌آرا، داریوش مهرجویی ... را از تاریخ سینما حذف کرد حتی اگر گوشه عزلت اختیار کرده، یا قید فیلمسازی را زده باشند. آنهایی که مصرانه می‌خواهند پشت دوربین رفته و فیلم بسازند را هم نمی‌شود به باد ناسزا گرفت. حتی اگر دیگر «لیلا» و «هامون» یا «کوزن‌ها» و «داش اکل» نسازند.

هنرمند، فیلمساز، ورزشکار، روزنامه‌نگار و هر انسانی آزاد است حرفه‌اش را ادامه دهد و منع و از او فعالیت در دایره‌ای که دوست دارد، غیرقانونی و غیراخلاقی است. داریوش مهرجویی بیش از آنکه متعلق به سینمای ایران باشد، متعلق به خود است و باید به دغدغه‌هایش احترام گذاشت. اگرچه همه ما ترجیح می‌دهیم آنهایی که دوستان داریم در اوج، از فیلمسازی خداحافظی

**سایه روشن**



**محدده واعظی‌پور** روزنامه‌نگار



### مجموعه‌ای خوب برای نوجوانان

مجموعه داستان نوجوان یکی از ژانرهای مهم و با ارزش ادبیات نوجوان است، چرا که در حجم کم با قیمت پایین و فرصت مطالعه کوتاه، نوجوانان را با تنوع مفیدی از انواع داستان‌ها و نگاه و نظرگاه نویسندگان مختلف، سبک‌ها و ژانرهای مختلف آشنا می‌کند. متأسفانه امروزه انتشار مجموعه داستان گروهی برای نوجوانان با همراهی نویسندگان حرفه‌ای در نشر کتاب نوجوان ما خیلی کم شده است و به‌ندرت مجموعه داستانی در این گروه سنی منتشر می‌شود که اگر هم منتشر شود، معمولاً از یک نویسنده است.

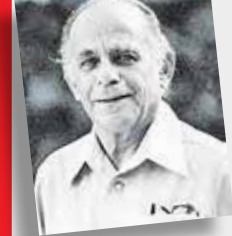
کتاب داستان «وشنام»، شامل ۱۷ داستان کوتاه از ۱۷ نویسنده برای نوجوانان است، که همراه با مقدمه آقای عبدالقادر بلوچ، تسهیلگر و مسئول کتابخانه روستای وشنام دری توسط انتشارات گویا منتشر شد. این کتاب دارای ۱۱۲ صفحه است و به قیمت ۴۵ هزار تومان منتشر شده که رونمایی از آن طی مراسمی از طرف ارشاد منطقه آزاد چابهار در اسفند ماه برپا شد. در این کتاب، نام نویسندگان مشهوری چون احمد اکبریپور، محمد علی دهقانی، عبدالرحمن دیجی، فاطمه سرمشقی، مریم شیرازی، سیدعلی کاشفی خوانساری، مرگان مشتاق و دیگر نویسندگان به چشم می‌خورد. من دو دلیل برای معرفی این کتاب دارم؛ یکی محتوا و ارزشمندی خود کتاب و فراتر از آن نگاه زیبایی است که پشت این اثر وجود دارد. این اثر در واقع یک مجموعه داستان نوجوان است که تعدادی از نویسندگان شناخته شده و حرفه‌ای ادبیات کودک و نوجوان هر کدام یک داستان را در این مجموعه عرضه داشته‌اند تا در یک حرکت خیرخواهانه و فرهنگی شرکت کنند. حق‌التألیف این کتاب از سوی نویسندگان، ویراستار گردآورنده به کتابخانه روستای «وشنام دری» در اطراف شهر چابهار در استان سیستان و بلوچستان اهدا شده است. این یک حرکت فرهنگی است که چندی است در میان نویسندگان ادبیات کودک و نوجوان شروع شده است. پس از آن نیز کتاب دیگری به‌نام «قصه غیزانی» برای حمایت از کتابخانه منطقه غیزانیه در استان خوزستان منتشر شد و مجموعه‌های دیگری هم به این شکل برای همراهی با کتابخانه‌های روستایی دیگر به مرور در حال تدوین است.

در این مجموعه داستان‌ها وحدت موضوعی وجود ندارند و همگی تنها در سن مخاطب که گروه نوجوان است، مشترک هستند. این کتاب از این نظر هم ارزشمند است که یک تصویری از داستان کوتاه نوجوان ایران در این سال ارائه می‌دهد و همچنین از چهره‌هایی که در این حوزه فعال هستند و نگاه‌ها و دیدگاه‌های متفاوتی که وجود دارد. نویسندگان از شهرهای مختلفی در این مجموعه همراهی کرده‌اند؛ برای مثال ما از شیراز، سمنان، بندرترکمن، کیش و دیگر شهرها داستان داریم که از گرد هم آمدن آنها مجموعه‌ای ارزشمند فراهم آمده است.

**■ «وشنام»**  
**■ گروه نویسندگان**  
**■ انتشارات گویا**

**عکس**

عکاس بریتانیایی و از پیشگامان صنعت سینما بود. او به خاطر عکس‌هایی که برای نخستین بار از یک اسب در حال تاخت گرفت، زمینه‌ساز اختراع «زنو پراکسیسکوپ» شد که یکی از نخستین نمونه‌های دستگاه نمایش فیلم همچون پروژکتور یا آپارات به شمار می‌رود. **ایرنا**



ای بهار، تو پرندته‌ها را،

بنفشه‌ات به بار، می‌وزی پراز

ترانه، می‌رسی پراز نگار...

**فریدون مشیری**

**از هوش تا استعداد؛ مهارت‌های والد بودن / ۴**

### شاد بودن کودک در یک فعالیت کلید استعداد اوست

می‌گفت: دوتا لیسانس دارم و دو تا فوق لیسانس و الان دارم فکر می‌کنم چقدر به جامعه‌شناسی علاقه دارم. کسی که از خواندن مهندسی برق الکترونیک در دانشگاه شریف شروع کرده بود و آخرین مدرک تحصیلی‌اش را در رشته فلسفه گرفته بود حالا داشت به یک رشته و مسیر دیگر تحصیلی فکر می‌کرد. هر چند معتقد بود که در نهایت این تجربه و تحصیل در رشته‌های مختلف به او کمک کرده دیدی جامع به زندگی داشته باشد، اما درد اصلی آنجا بود که می‌گفت: در انتخاب شغل موفق نبوده‌ام. در هیچ شغلی بیشتر از سه سال دوام نمی‌آورم. گاهی دوست دارم پژوهشگر باشم و گاهی دوست دارم معلم باشم اما احساس می‌کنم هنوز استعدادی را که دارم کشف نکرده‌ام.

۳۳ سالش بود و جالب اینجاست که در هر شغلی هم که حضور داشت موفق بود اما انگار گمشده‌ای داشت که پیدایش نمی‌کرد! این روزها به اطراف که نگاه کنیم زیاد می‌بینیم کسانی که در رشته تحصیلی و در شغل خود گمشده دارند. رشته لیسانس خود را در مقاطع بالاتر تغییر می‌دهند. در شغل خود احساس رضایت و کافیی بودن ندارند و... شاید این همان نقطه‌ای است که باید به والدین گفت اگر در فاصله ۵ سالگی تا ۱۵ سالگی برای کمک به فرزندان‌تان در کشف استعدادهایش موفق نشوید، شاید آینده او چیزی شبیه همین روایت‌ها شود.

واقعیت این است که در مسیر تربیت و پرورش استعداد فرزندان همانقدر که مهم است چه چیزی را یاد بگیرند که با ذات آنها و احساس شادی آنها پیوند دارد، باید حواسمان باشد چیزی که مناسب آنها نیست یاد بگیرند یا حتی در مسیر پرورش آنها مضرت است. بزرگ‌ترین اشتباه والدین که البته ریشه تاریخی در روانشناسی رشد هم دارد این است که فکر کنیم کودکان، بزرگسالان کوچکی هستند که پرورش استعداد آنها یعنی آماده کردن آنها برای دوره بزرگسالی. هر چند در نهایت رشد مسیری پیوسته و بویاست که آنچه امروز بکاریم در آینده درو می‌کنیم اما در عین حال مسیر رشد کودک صرفاً معطوف به آینده نیست بلکه اگر هدف والدین شادی کودک در هر مرحله رشدی باشد و به رشد طبیعی کودک اهمیت بدهند بزرگ‌ترین شاهراه را برای بروز استعداد ذاتی او فراهم کرده‌اند که ضامن شادی امروز و موفقیت فردایش است. اگر نگاه ما به استعدادیابی محدود به آینده شود، همین می‌شود که هر روز در دام یک دکان جدید استعدادیابی گیر می‌افتیم. کاری که این روزها والدین به سمت آن می‌روند بیش از استعدادیابی تعجیل در پرورش گیاهی است که به قدر کافی نرورنیده و آب نخورده است و ممکن است زود رشد کند اما ریشه‌های قوی نداشته باشد.

در واقع امروزه بسیاری از نظریه پردازان رشد معتقدند که استعدادیابی باید حالتی جوشنی داشته باشد و والدین صرفاً موانع این بروز استعداد را کنار بزنند. در حالی که ممکن است این اشتباه برای والدین پیش بیاید که به محض دیدن یک کشش کودک به سمت مسیری خاص مثلاً ورزش یا ریاضی و... فوراً دست به کار شوند و او را به آن سمت و سو هل بدهند در حالی که بهترین روش استعدادیابی این است که در معرض کودک انواع وسایل بازی و سرگرمی و تربیتی از وسایل کاردستی تا محیط‌های ورزشی و پازل و... در دسترس کودک باشد و او فرصت کند با امتحان کردن آنها، اشتباه کردن، دوست داشتن یک مسیر و رها کردن آن بتواند خودش را و استعدادش را پیدا کند. رغبت کلید واژه مهمی برای کشف استعداد کودکان‌تان است، اما پیش از رغبت باید یادمان باشد کودکان بسیار تحت تأثیر تشویق‌ها و تنبیه‌های والدین رفتار می‌کنند. کافی است کودک در ورزش مهارتی از خود نشان بدهد و مدام تشویق شود در آن صورت او حتی اگر رغبت چندانی به آن نداشته باشد به خاطر تشویق والدین به سمت ماهر شدن در آن کشش پیدا می‌کند و شاید خیلی دیر بفهمد که راهش این نبوده است.

شاید کمی گیج کننده باشد که چگونه می‌توان استعدادی را در کودکان کشف کرد و بدون تشویق آن را پرورش داد. موضوع مهم این است که باید به کودکان اجازه داد توانایی‌های خود را در همه عرصه‌ها آزمایش کنند و جایی که شادی و نه لزوماً توانایی در کودکان دیدیم به سمت تشویق او برویم و از همه مهم‌تر اینکه به خاطر علایق خودمان دچار سوگیری در علایق فرزندان نشویم و از همه اینها مهم‌تر اینکه لحظه شادی اکنون کودکان مان را در فعالیتی که می‌کنند دراییم و تمام فکر ما وقتی به کودکان نگاه می‌کنیم این نباشد که بزرگ شد، قرار است از آن توانایی که امروز بروز می‌دهد چه سودی ببرد.



**هشتم مه، سالگرد درگذشت ادوارد مایبریچ،**

**عکاس بریتانیایی و از پیشگامان صنعت سینما**

**بود. او به خاطر عکس‌هایی که برای نخستین**

**بار از یک اسب در حال تاخت گرفت، زمینه‌ساز اختراع «زنو**

**پراکسیسکوپ» شد که یکی از نخستین نمونه‌های دستگاه**

**نمایش فیلم همچون پروژکتور یا آپارات به شمار می‌رود. |ایرنا**